

## حماسه های بزرگ هند

### مهابهار تا وراما اینا

#### ۲

امردیگری که شایسته دقت و شرح بیشتر است و در خلال حماسه همواره بدان اشاره خواهد شد میباید که تمبیر علم الاساطیر و حقایق آن است.

تاریخ در نزد هندوان جنبه‌ای اساطیری دارد و برای خواننده دانستن این مطلب لزوم دارد که انسان دودان و دائی بین این عالم و عالم بالا نه شکاف مطلق می بیند و نه حدفاصل قاطعی بین آن دو قایل میشود.

این جهان، آئینه جهان بالا است و آنچه در عالم بالا بوقوع می پیوندد مانند حماسه خدایان و قهرمانان و کشمش موجودات اساطیری، حوادثی نیست که در گذشته تاریخی بحصول پیوسته و در تذکره های عصر منمکس شده باشد. بلکه حوادثی است بنایت واقعی که خط مشی آدمیان را تعیین میکند و در تهذیب اخلاقی و پیشرفت معنوی آنها نقش بسزائی دارد. وقوع حوادث در فلان تاریخ و فلان محل کوچکترین اهمیتی ندارد بلکه آنچه برای حوادث تاریخی درخور اعتنا است، وقایع مقدسی است که درازل یکبار برای همیشه بوقوع پیوست و از آن پس بصورت رب النوع و نمونه عالی و اصلی ظاهر شد و منشاء الهام آدمی گردید.

تاریخ لحظه ای ناپایدار در زمان بی انتها و موجی گذران در دریای ابدیت است. در واقع این دواصل یعنی عدم اعتقاد به عوامل ترقی و سیر تکامل که در لحظات خاص تاریخ بر اثر پیشرفت زمان تحقق می پذیرد و مفهوم اینکه زمان این دنیاسببی و انعکاس آن وقایع بزرگ اساطیری است که درازل بوقوع پیوسته است، لازم و ملزوم یک دیگرند. کافی است که انسان روی به اوپانیاشادها بگرداند و نظری به پورانا بیفکند تا متوجه شود وقایعی که در این زندگی خاکی میکزرد تاچه حد تقلید حوادث ازلی است و تاچه حد مفید و در قید اعمال و رفتار موجودات اساطیری است که با انجام دادن یک سلسله کارهای اساسی و شاخص رفتار و کردار آدمیان را یکبار برای همیشه تنظیم کرده است.

هندوان ملتی هستند که در نخستین مرحله تمدن و ظهور ادبیات و افکار ادبی با ایجاد حماسه بی ملی دست زده بود و در راه تکامل قرار گرفته و زمینه برای ظهور نایبانی در شعر مهیا گردید

تا سرانجام نابغه شعر سنسکریت حکیم ویاسا ظهور کرد و این آرزوی ملی را بر آورد. داستانها و روایات قدیم اگرچه مأخذ و منشاء حماسه است ولی به تنهایی مزایای يك منظومه حماسی را ندارد و در آوردن آنها بصورت کامل حماسی در قدرت طبع و قواد استاد هنرمندی است که همت بر نظم آنها گمارد.

فرهنگ برهمنان از اول به طبقه خاص برهمنان اختصاص یافته بود و مقام برهمنان موروثی بود و طبقات پائین جامعه را مجال آن نبود که بدین منصب ممتاز ارتقاء یابد، از این رو بیشتر طبقات جامعه هند از فرهنگ و ادبی محروم ماندند و سرانجام ادبیاتی مستقل از کتاب مقدس برهمنان پدید آمد که در آن افسانه‌های کهن اساطیری و عقاید و آراء فلسفی رفته رفته نشوونما کرد و بالاخره بصورت حماسه بزرگ درآمد. مهابهاراتا تخلیق این دوران است که فلسفه هندو را در بردارد و صنعت ممیزه این عهد اینست که تدریجاً این حماسه به رشته تحریر کشیده شده است.

حماسه دهند به چند نوع تقسیم شده است: یکی ایتی‌هاسا (itihasa) یعنی تاریخی و آکیانا (akhyana) یعنی افسانه، پورانا (Purana) یعنی افسانه کهن و مقدس، دیگری حماسه ساخنگی یا تصنی که آنرا کاویا (Kavya) می‌گویند. حماسه داماینما متعلق به این دسته است و مهابهاراتا به دسته اول تعلق دارد مهابهاراتا اثریست منظوم که دارای صد هزار بیت (Sloka) است و بیگمان یکی از بزرگترین حماسه‌های ادبیات جهان است شیوه نگارش آن یکسان نیست و معروف آنست که شاعران متعددی در تحریر آن دست داشته‌اند زبان مهابهاراتا را سنسکریت کلاسیک و حماسی می‌خوانند و این زبان اختلافات فاحشی با «سانسکریت ودائی» دارد و نسبت سانسکریت کلاسیک به سانسکریت ودائی، نسبت یونانی افلاطون است به یونانی هومر - پانینی (Panini) واضع مشهور دستور زبان سانسکریت در رساله معروف «آشتادیایی» (astadhyayi) یا رساله «هشت فصل» که آنرا در آخر سده چهارم پیش از میلاد نوشت، قواعدی را پی‌ریزی کرد. با ظهور قواعد پانینی، زبان سانسکریت نظام یافت و از آن پس دیگر چندان تغییری نکرد و باستانشنای فرهنگ و اصطلاحات ادبی و فلسفی قواعدی که پانینی وضع کرده بود، بقوت خود باقی ماند. پس از پانینی زبان ادبی و فلسفی آن ناحیه سانسکریتها (Sanskrita) یعنی تکامل یافته پرداخته نام نهاده شد باید توضیح بدهم که زبانهای عالی را در آن زمان پراکریت (Prakrt) یا تدوین نشده، نارسا، نازیبیا می‌گفتند. مهابهاراتا بدون هیچ تردید منشاء فیاض الهام، هم از برای شاعران و قصه‌سرایان و نمایش نویسان هم برای حکما و ژرف اندیشان و هنرمندان بوده است.

مهابهاراتا را وادی پنجم نام نهاده‌اند، زیرا آن کتابیست جامع جمیع صفات، و مطلوب مذاق خاص و عام و هر طبقه‌ای از طبقات جامعه هندو، بفرآورد فهم ودانای خویش از آن بهره‌مند گردیده‌اند. علت اینکه آنرا مها (maha) یعنی بزرگ و بهاراتا (bharta) یعنی هند

می‌خوانند، اینست که از لحاظ عالی بودن مطلب و وقار و منانت داشتن و صفت هندی بودن هیچیک از کتب کیش هندو را یارای برابری با آن نیست.

مهابهاراتا به نحوی سروده شده که هیچ شاعری نمی‌تواند مقام خلاقیت فوق‌العاده آن (از دیدگاه يك ناقد بزرگ) را بدست آورد. در این کتاب از ستایش برهما که نور مطلق، صداقت لایزال و هستی‌ناپذیر است، سخن گفته شده است، برای اظهار این عظمت این اثر ارزنده را مهابهاراتا نام‌گذاری کرده‌اند.

مهات بمعنی بزرگ و «بهاراتا» یعنی سنگین است و این عظمت و سنگینی بعلت ثنای خدای متعال اطلاق شده است و بنابراین روایت قدیم داستان خانواده به حضرت نیز در این اثر آمده است.

«بهاراتا» بر روایتی پسر سلطان دوشیانتا (Dushyant) واله شکنلا بود که در دام معروف کالیداسا ابدیت یافت. آن شاهزاده به خانواده سلطان سائو علاقه داشت تا اینکه سلطان سائو با الهه گنگا که بصورت انسان در آمده بود ازدواج کرد.

مهابهاراتا دارای خصائص گوناگون نیست و کنایست جامع که به کلیه شئون فلسفی و اساطیری و اخلاقی کیش هندو احاطه دارد. از این رو آنرا داستان (akyana) افسانه کهن (Purana)، منظومه (Kavya) شرعیات (dharas'astsa) آئین سیاست (Arthasastra) آئین شهریار (rajadherwa)، اخلاقیات (nitī s'astrā) آئین نجات و رستگاری (moksas'astrā) آئین مهرورزی و کام جوئی (Kamas'astrā) می‌گویند.

مبانی کیش «شیوایی» و «ویشنوئی» مبحث نزول حق در عالم محسوسات، طریق محبت و عشق، اصول مکتب «سانکیها»، ودانتا، یوگا، و ویشیکا، در این حماسه بزرگ منعکس است بدان حد که آنرا آئینه تمام نما و دائرة المعارف جمله معتقدات آن دوره اعم از فلسفی و اخلاقی و ادبی و اساطیری می‌پندارند. سنت هندو درباره آن میگوید: «هر آنچه در اینجا است در جای دیگر نیز تواند بود. هر آنچه در اینجا نیست در هیچ جا یافت نمیشود».

«مهابهاراتا» به هیجده جزء بزرگ (Parvan) تقسیم شده. نوزدهمین جزء آن را که به هاری و امشا معروف است فصل الحاقی میدانند. بیشتر این جزءها به فصل‌های گوناگون بخش شده و فصل‌ها به فصول کوچکتری منقسم شده است. به نظر ناقدی هسته حماسی «مهابهاراتا» که آنرا نبرد بزرگ با زماندگان «بهاراتا» نیز خوانده‌اند، شامل بیست هزار بیت بوده که جنگ هیجده روزه «کوروها» و «پاندوها» را شرح میداده است. ولی شاخ و برگ بسیاری بدین ساقه اصلی داستان افزوده شد و افسانه‌های گوناگون خدایان و سلاطین، مبانی جهان‌شناسی و افسانه آفرینش و الهیات و اخلاقیات و معتقدات مختلف دینی، احکام شرع و اصول نظام طبقاتی بتدریج به آن پیوست و مهابهاراتا را بصورت دائرة المعارفی جامع جلوه داد.

احتمال می‌رود که این هسته حماسی از يك حادثه واقعی تاریخی الهام میگرفته است و کشمکش دو طایفه «پاندوها» و «کودوها» که بعداً بصورت قومی واحد درهم آمیختند در (یا جوروا) منعکس شده و این متن کهن این دو قوم را یکی دانسته است. بنظر ما کدونل باید مبدأ تاریخی این حماسه را در دوران باستان ودائی جستجو کرد، و وقوع این حادثه تاریخی نمی‌تواند بهر حال متأخرتر از هزاره اول پیش از میلاد بشود. اما هسته حماسی این داستان به نظر همان محقق انگلیسی در سده پنجم پیش از میلاد تکوین یافته و بتدریج به رشته نگارش درآمده است.

بنابر گفته آقای فرهاد مهریار.

قضای که درباره نگارش این اثر عظیم شده است اینست که آن را نه فرد بخصوصی پدید آورده است و نه نسلی خاص بل آنرا توده‌ای از شناخت‌ها و معرفت‌های مقدس دانسته‌اند. اثری جمعی شناخته‌اند که به سبب روابط پیایی و متداوم بصورتی که آنرا اکنون می‌بایم؛ درآمده است. (۱) (ناتمام)

۱- «سالها و اثرها» مجله تماشا. شماره: ۲۴۳، از آقای فرهاد مهریار، ص ۲۶۰

بقیه از صفحه ۴۹۳

در سنت هلن همه چیز تغییر مینماید. به شکوه گذشته فکر میکنند، و در آرامش به ناچاری میانیدند. سر نوشت را می‌بپذیرد، و با آرزوی اینکه فرصتی باز یابد و سرانجام از خویش چهره‌ای که زیب تاریخ جهان باشد بسازد، روزگار میگذراند. اما در نوشته‌های او هنر بنا آگاه و ناخوانده در صدر نشسته است. آنچه نگاشته دور از اندیشه و کاوش ادبی بوده و تنها در راه انجام مقصود با فکر معمولی بر پهنه کاغذ کشیده شده است بزبان ساده‌تر، او همانکه بی تأمل بفکرش رسیده به رشته تحریر آورده است، و این خود یکی از ویژگیهای نبوغ است که کسی بتواند ذوق و استعداد را خالی از آرایش و پیرایش به خواننده عرضه دارد.

قدرت عبارت پردازی ناپلئون بهتر از هر جای دیگر در قانون مدنی (کد ناپلئون) او تجلی میکند، و این همانست که او را مورد تحسین «استند هال» قرار داده است. درین قانون است که با رعایت تمام موازین و کمال دقت مینویسد، بعنوان يك امپراطور مینویسد، و در عین اختصار و بی‌کلیکا-گیری عبارات موجز، بیان مقصود مینماید؛ با قوام و استحکامی شگفت آور، و بخوبی آشکار است که بر جان کلام تسلط کامل دارد، و آنرا بروشنی بسطک عبارت میکشد. اما آرنجا؛ بلکه کلمات وسیله‌ای بیش نیستند. روش نگارش باز یگر اصلی نمایش است، و از دیدگاه و دست آفرید اوست که باریک اندیشی‌های يك روح نیرومند متجلی میگردد، و تسلط کمال بر اندیشه را آشکار میسازد.